

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۳، پاییز ۱۴۰۱، صص ۲۹۴-۳۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۳

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2021.1928541.2241](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1928541.2241)

تحلیل نشانه - معناشناختی حکایت طوطی و بازرگان از مثنوی معنوی مولانا

پگاه رسولی^۱، دکتر شهین اوجاق‌علیزاده^۲، دکتر فاطمه امامی^۳

چکیده

نشانه - معناشناسی، روشی نوین در نقد ادبی است که هیچگاه ادعای جایگزینی، دیگر رویکردهای نقد ادبی را نداشته است، بلکه در پی آن است که پنجره‌های نوینی را در معنا بگشاید که متفاوت از برداشت‌های شناختی و سطحی است. این روش، ژرفا و ارتباط کلمات را باهم به چالش می‌کشانند، و ما را به سوی مفاهیمی تازه و پویا رهنمون می‌سازد. این پژوهش در صدد است، با روش توصیفی - تحلیلی؛ حکایت (طوطی و بازرگان) یکی از ارزنده‌ترین حکایت‌های رمزی و تمثیلی دفتر اول مثنوی را از دریچه نشانه - معناشناختی بررسی نماید، تا براین‌اساس راهکارهای تبیین معنا و شرایط عبور کنش‌گر از مرزهای ساختاری محدود و رسیدن به معنای استعلایی و زیبایی‌شناختی تبیین گردد. طوطی فاعل کنشی - شوشی، در مرتبه‌ای فراتر از یک مرغ معمولی آن‌قدر بالا می‌رود که با فاصله گرفتن از مادیات، به مرغ جان و راهبر مبدل گشته و در راستای وحدت الهی متعالی می‌گردد و بازرگان فاعل کنشی در مواجهه با تنش عاطفی عمیق، دگرگون شده و در گسست با خود در مسیر سعادت گام برمی‌دارد و به شناخت شهودی می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: نشانه - معناشناسی، مثنوی، حکایت، طوطی، بازرگان.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

St.p_rasouli@riau.ac.ir

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. (نویسنده مسؤول)

alizade@riau.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

f.Emami@riau.ac.ir

مقدمه

الگوی تحلیل نشانه - معناشناختی به عنوان رهیافتی در نقد ادبی نو، یکی از روش‌های مناسب در بررسی قصه‌های مثنوی است که می‌تواند ظرفیت‌های داستانی و گفتمانی را شناسانده و افق جدیدی بر روی مطالعات مثنوی بگشاید. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی؛ حکایت «طوطی و بازرگان» را به عنوان یکی از ممتازترین حکایت‌های رمزی و تمثیلی دفتر اول مثنوی با تلفیق نشانه و توجه به رمزگان آن، از دیدگاه نشانه - معناشناختی مورد بررسی قرار می‌دهد، زیرا معتقد است با ارائه خوانشی نوین، می‌توان بابت تازه در راه درک معنای این حکایت گشود. به نگاه ژنت، ما داستانی داریم که یک طوطی به واسطه عرضه زیبایی خویش، در قفس اسیر، غمگین و منفعل است، و با خستگی ناشی از اسارت در پی رهایی است به این نتیجه می‌رسد که باید از زندگی در حیطه تأیید چشم‌ها دست برداشت پس با دریافت رمز رهایی از طرف دوستان رهایش، با مرگ اختیاری به رهایی و شادابی می‌رسد. و در انتهای داستان با طوطی آزادی مواجهیم که از نادانستگی به دانستگی رسیده است. در این جستار تلاش شده به این پرسش مهم پاسخ داده شود که چگونه نگاه پدیدارشناختی، نشانه‌های زبانی را به نشانه‌های استعلایی تبدیل می‌کند و در این راستا چگونه طوطی در فعالیتی کنشی - شوشی، با رهایی از تعلقات دنیوی و زودگذر، به وحدت و استعلا می‌رسد و بازرگان چگونه در سیری عرفانی به شوش گری متعالی تبدیل می‌گردد.

پیشینه تحقیق

با مطالعه کتاب‌ها و مقالات، با رویکرد نشانه معناشناسی، با آثار غنی و پرباری مواجه گشتیم که در بیشتر آن‌ها رد پای حمیدرضا شعیری؛ نظریه پرداز این رویکرد دیده می‌شود. داستان‌هایی نیز بررسی گشته‌اند که از میان آن‌ها به چند مورد اشاره می‌گردد؛ کتاب‌هایی با عنوان: راهی به نشانه معناشناسی سیال (شعیری و وفایی ۱۳۸۸) و نشانه معناشناسی ادبیات (۱۳۹۵) و مقاله‌هایی تحت عنوان؛ نشانه معناشناسی در بعد اخلاقی مولانا و نشانه‌های متعالی در داستان طوطی و بازرگان که توسط مرضیه اطهاری نیک ارائه شده است. اما تا جایی که نگارندگان، اطلاع دارند، از این دیدگاه در تحلیل حکایت طوطی و بازرگان مولانا استفاده نشده است و جای خالی این دیدگاه در نقد ادبی نو، احساس می‌شود که پژوهش اخیر تلاشی در زمینه معرفی این دیدگاه در بررسی مثنوی معنوی است.

روش تحقیق

در این پژوهش بحث بر سر نظریه نشانه - معناشناسی و مطابقتش با حکایت «طوطی و بازرگان» مولاناست که ضمن بررسی نوع نظام گفتمانی روایت، با روش توصیفی - تحلیلی به تجزیه و تحلیل آن در قالب فرایندهای تولید معنا، می‌پردازیم. فرایندهایی چون: فرایند روایی (کنشی، شوشی، تنشی) و فرایند استعلا و زیبایی شناختی.

مبانی تحقیق

نشانه - معناشناسی، دیدگاهی کاملاً گفتمانی و پویا دارد و با هدف قراردادن معنا، بر اساس دوپلان صورت و محتوا استوار است. در آن الگوی مطالعه‌ای با ویژگی‌های دینامیک و پدیداری، جانشین الگوهای مکانیکی مطالعه نشانه می‌گردد. «آنچه اهمیت اساسی دارد این است که در نشانه - معناشناسی برخلاف نشانه‌شناسی کلاسیک و ساختگرا، نشانه‌ها فرصت نشانه پذیری مجدد می‌یابند. یعنی از نشانه‌های معمول با کارکردهای رایج و تکراری، به نشانه‌های نامعمول، نو، با کارکردهای نامنتظر و زیبایی‌شناختی تبدیل می‌شوند» (شعیری، وفایی، ۱۳۸۸: ۶-۴).

«رویکردی که ما امروز تحت عنوان سیموزیس یا کنش «نشانه - معناشناختی» می‌شناسیم، نگاهی سیال و طیفی است که جایگزین نگاه قطبی، ساختاری بسته و تقابلی شده است؛ یعنی معنای فرایندی تولید می‌گردد که در آن جریان‌های نشانه‌ای، تولید یا باز تولید می‌شوند؛ در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند و در این تعامل حرکتی روبه‌جلو دارند و در نتیجه این حرکت و پویایی و رفت‌وآمد نشانه‌ها، معنا تولید می‌شود. باید بر این نکته نیز تاکید گردد که تعامل نشانه - معناشناسی با ادبیات دوسویه است. از یک سو این علم ابزار مهمی جهت بررسی، تحلیل و نقد گفتمان ادبی ارائه می‌دهد و از سوی دیگر ادبیات مرجعی است که نشانه - معناشناسی به کمک آن به تولید معنا می‌پردازد» (شعیری، ۱۳۹۵: ۸).

در تحولاتی که در حوزه نشانه‌شناسی ساخت‌گرا به نشانه - معناشناسی گفتمانی صورت گرفته به بررسی نظرات زبان‌شناسان معتبر این حوزه می‌پردازیم؛ سوسور (saussure) نشانه‌ها را در رابطه نظام‌مند؛ (لازم و ملزوم و دال و مدلول) و بیرون از فرایند گفتمانی می‌داند (ر.ک: شعیری ۱۳۸۸: ۳۸). نشانه از دال و مدلول تشکیل شده است. دال می‌تواند تصویری از یک واژه و مدلول تصور ذهنی از مفهوم آن واژه باشد. بارت معتقد است که

دال تهی، خالی و بی‌ارزش است و فقط زمانی ارزش می‌یابد که به یک مدلول بچسبد (ر.ک: بارت، ۱۳۹۲: ۳۶). لویی ترول یلمسف (Hjelmslev) زبان‌شناس دانمارکی نظریه نشانه‌شناسی سوسور را تکمیل، رابطه فرایندی در دو سطح بیان و محتوا را جانشین رابطه دال و مدلول می‌کند (ر.ک: صفوی، ۱۳۹۳: ۴۱). نشانه‌شناسی یلمسلفی، برخلاف نشانه‌شناسی ساختگرا، اعتقاد به حضوری جسمانه‌ای بین دو سطح بیان و محتوا دارد و رابطه بیرون و درون را به رابطه حسی - ادراکی و سیال تبدیل می‌کند (ر.ک: شعیری و وفایی ۱۳۸۸: ۲). آلژیرداس گریماس (Greimas) در تکمیل بحث سطوح زبانی یلمسف و با الگو گرفتن از این نظریه، سطح بیان را برون نشانه و سطح معنا را درون نشانه می‌نامد و با اعتقاد به حضور انسان و رابطه پدیداری او با نشانه‌ها، به تبیین نظریه‌ای می‌پردازد که زمینه عبور از نشانه‌شناسی ساختگرا به نشانه - معناشناسی گفتمان را فراهم می‌کند. «در نشانه - معناشناسی گفتمان، نشانه - معناها، تحت کنترل و نظارت فرایند گفتمانی بروز می‌کنند و در تعامل با یکدیگر به گونه‌ای سیال، پویا، متکثر، چند بعدی و تنشی تبدیل می‌شوند. این دیدگاه، از دو بُعد؛ حسی - ادراکی و زیبایی شناختی، قابل بررسی است. در بُعد زیبایی شناختی عاطفه و شناخت، اهمیت بیشتری دارد به طوری که؛ وجود فعالیت گفتمانی، وامدار این دو جریان است. و گاهی نشانه طغیان می‌کند و از بستر خود خارج گردیده و نظامی غیر منتظره را رقم می‌زند که «عقلانیت اسطوره‌ای» یا شاعرانه نامیده می‌شود. در فرایند حسی - ادراکی، نگاه پدیداری موجب می‌شود پدیده‌ها از وحدت و انسجام برخوردار باشد و حضور در گستره‌ای از زمان گذشته تا آینده سیلان یافته و موجب سیال شدن گفتمان گردند» (شعیری، ۱۳۹۶: ۸-۲). «آنچه حائز اهمیت است دستیابی پژوهندگان به معانی تازه در بستر متون ادبی است، زیرا این رویکرد، دنیای جدیدی از باورها و خلاقیت‌های بدیع را بر روی خوانندگان می‌گشاید و آدمی را به جهان نو رهنمون می‌سازد» (سرکاریزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۷). پس بر این اساس می‌توان گفت؛ معنا و فرایند تولید آن دارای سازوکاری پیچیده‌ای است که در غالب گفتمان‌ها یکسان نیست و بررسی و بازخوانی متون، می‌تواند ما را به نشانه‌ها و تولید معنایهای متفاوت رهنمون سازد.

خلاصه داستان طوطی و بازرگان به نثر

«بازرگانی طوطی زیبایی در قفس داشت. روزی برای تجارت آهنگ سفر به هندوستان کرد، پیش از رفتن همه اهل خانه را فراخواند و گفت برای شما از این سفر چه ارمغان آورم؟ هر یک

از بستگان او چیزی خواست وقتی نوبت به طوطی رسید بدو گفت: تو چه تحفه‌ای می‌خواهی؟ طوطی گفت: وقتی که به هندوستان رسیدی و طوطیان هم نوع مرا دیدی حال مرا برای آنان بازگو کن و بگو که قضا و قدر مرا در زندان قفس افکنده و اینک از شما استمداد می‌جویم. آیا رواست که شما خوش و خرم پرواز کنید و من مهجور و غم‌زده در کنج قفس باشم؟ بازرگان به هندوستان رفت و همین‌که پیام طوطی را به دوستانش رسانید، یکی از طوطیان از شاخه درخت بر زمین افتاد و مرد. بازرگان از گفتن این پیغام پشیمان شد، وقتی به وطن خود بازگشت، تحفه‌های موجود را به هر یک از بستگانش تقدیم کرد و سرانجام طوطی گفت پس ارمغان من کو؟ بازرگان گفت: من از رساندن پیغام تو پشیمان هستم. طوطی گفت: علت پشیمانی تو چیست؟ بازرگان گفت: وقتی پیامت را رساندم، یکی از طوطیان دردم به زمین افتاد و مرد. در این هنگام، طوطی قفس نشین نیز لرزید و بر کف قفس افتاد. بازرگان از شدت ناراحتی سینه‌چاک کرد و وقتی طوطیک بیچاره را از قفس بیرون انداخت، آن پرنده مرده به پرواز در آمد و جان خود را نجات داد» (زمانی، ۱۳۹۸: ۴۹۳).

«در کتاب مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی که یگانه کتاب و پژوهش موجود در زمینه مآخذ یابی قصه‌های مثنوی است، تفسیر ابوالفتح رازی و اسرارنامه عطار دو مآخذ مولانا در نقل این حکایت معرفی شده‌اند» (فروزانفر، ۱۳۷۲: ۱۸).

بحث

بررسی فرایندهای زبانی در داستان طوطی و بازرگان

الف) فرایند گفتمانی کنشی: گفتمان کنش محور از اولین نظام‌های گفتمانی است که در شناسایی و بسط آن تحلیل گران زیادی دخالت داشته‌اند. نقطه مشترک همه تحلیل‌گران بر این مبنا است که هسته مرکزی روایت را، کنشی تشکیل می‌دهد که خود درصدد حذف و تغییر وضعیت کنش گران و همچنین معناست که اغلب بر اساس برنامه‌های از پیش تعیین شده و مشخص عمل می‌کند. در واقع کنش گران یک فرایند روایی، یا فاقد ابژه ارزشی هستند که برای تصاحب آن وارد فرایندی کنشی می‌شوند و یا اینکه صاحب ابژه ارزشی هستند که بازم بر اساس فرایندی کنشی و دخالت نیرویی بیرونی و برتر، آن را از دست می‌دهند. از نظام گفتمانی کنشی می‌توان به دو صورت؛ کنشی - تجویزی و کنشی - القایی، اشاره کرد. در نظام تجویزی؛ رابطه بین کنش‌گزار و کنش‌گر، رابطه‌ای است که از بالا به پایین تعریف شده و کنش‌گر بر

اساس نقشه و برنامه‌ای مشخص و از پیش تعیین شده وارد عمل می‌گردد. به چنین نظامی، نظامِ گفتمانی برنامه‌مند گفته می‌شود (ر.ک: شعیری، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۴). در نظام القایی یا مجابی دو کنش گر در مقابل یکدیگر قرار دارند که هیچ‌یک بر دیگری برتری نداشته و بین آنها رابطه‌ی تعاملی برقرار می‌گردد و قدرت مجاب سازی یا القا، تعیین‌کننده می‌باشد.

کنش گفتمانی بر دو نکته‌ی اساسی تأکید دارد؛ اول اینکه چنین کنشی از دو لایه‌ی صورت و محتوا تشکیل شده باشد و دوم اینکه کنش زبانی به تولید معنا منجر شود، یعنی بر اساس فرایندی کنشی جریان معناسازی صورت گرفته و تغییر معنایی تحقق پذیرد (ر.ک: ریما مکاری، ۱۳۸۴: ۲۳۶). در حکایت طوطی و بازرگان با دو نوع کنش مواجهیم؛ تاجر کنش‌گری است که با برنامه‌ریزی برای سفر خود و رسیدن به اهداف معین، کنش سفر را آغاز می‌کند. اولین مقصود او رفع بحران کمی و مادی است که از بیرون بر او تحمیل گردیده و دیگری تصاحب ابژه ارزشی که مبادله و کسب درآمد است. در میانه‌ی داستان نیز شاهد کنش بازگشت بازرگان از سفر هستیم که با اهداف کسب درآمد و دیدار با خانواده انجام می‌پذیرد و او را به یک کنش گر قاعده‌مند تبدیل می‌گرداند.

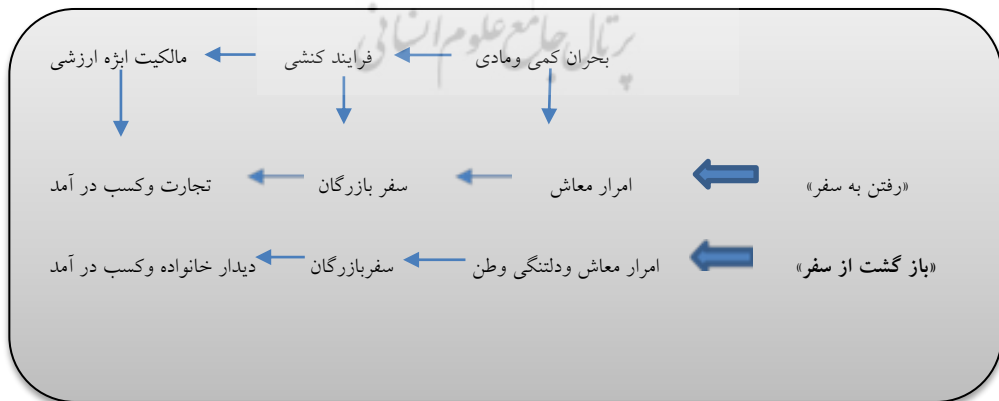
چون که بازرگان سفر را ساز کرد سوی هندوستان سفر آغاز کرد

(مولوی، ۱۳۷۲/۱/۱۵۴۸)

کرد بازرگان تجارت را تمام باز آمد سوی منزل شادکام

(همان/۱۶۴۹)

«نمودار فرایند کنشی با رویکرد ارزشی»



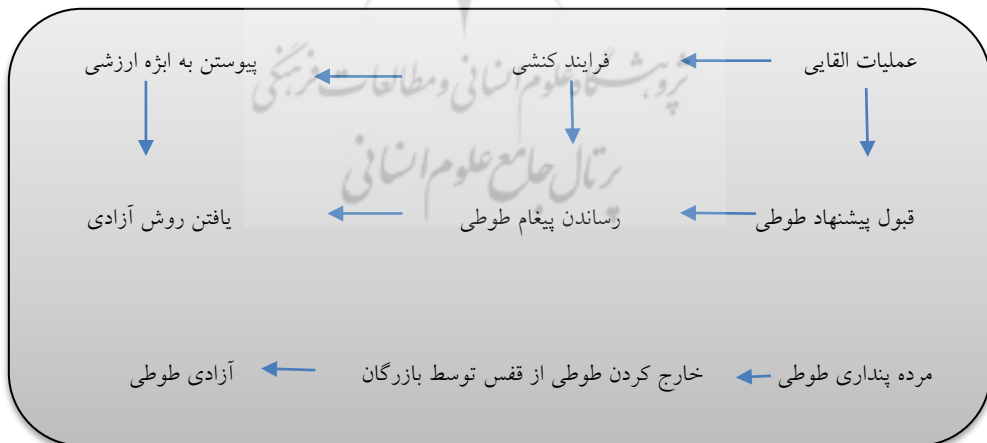
گفت طوطی که آنجا طوطیان چون ببینی کن ز حال ما بیان
(همان: ۱۵۵۲)

چون شنید آن مرغ آن طوطی چه کرد پس بلرزید، افتاد و گشت سرد
(همان: ۱۶۹۱)

بعد از آتش از قفس بیرون فکند طوطیک پرید تا شاخی بلند
(همان: ۱۸۲۵)

با توجه به ابیات فوق به نظر می‌رسد در بخشی دیگر از داستان؛ کنشی مجابی و تعاملی در دو مرحله بین طوطی و بازرگان صورت پذیرفته است. اول زمانی که بازرگان آهنگ سفر می‌کند و طوطی محبوس (که نماد انسانی آگاه و در پی رهایی است) با هدفی معین و پنهانی با قدرت مجاب‌گری بازرگان را متقاعد می‌کند که پیغامش را به طوطیان هندی (که نماد تفکر هممنوعی و یاری‌اند) برساند و بار دوم زمانی است که طوطی در گسست و یا انفصال با ابژه ارزشی (آزادی) قرار گرفته است. می‌لرزد، به کف قفس می‌افتد و بازرگان را مجاب می‌کند در قفس را گشوده و او را بیرون بیفکند. در این موقعیت طوطی با اتصال به ابژه ارزشی به هدف خود می‌رسد و آزاد می‌گردد. پس فرایند انفصال/اتصال شکل گرفته و می‌توان نمودار فرایند کنشی را به شکل زیر ترسیم کرد.

«نمودار نظام گفتمانی القایی»



در بررسی کنش‌های این حکایت در می‌یابیم کنش‌های انجام شده، هیچ تأثیری بر رابطه کنش‌گر با جهان هستی، دنیا، دیگران و رسیدن به زیبایی‌شناختی وجود ندارد. با این استدلال

می‌توان گفت؛ به قول شعیری: «نظام‌های روایی کنش محور را می‌توان نوعی فرایند خودکار یا اجتماعی شده به معنای کارکردی هم سو با ارزش‌های همه باور دانست» (همان: ۲۱).

ب) فرایند رخدادی شوشی: یکی از نظام‌های گفتمانی، نظام رخدادی است. در این گفتمان، با ویژگی متفاوتی از گفتمان مواجهیم. یعنی؛ رخدادها کنش را رقم می‌زنند و کنش‌گران، در بسیاری از موارد هیچ نقشی در شکل‌گیری آن ندارد. رخداد؛ بالاترین واکنش به حس است و از این طریق چیزی رخ می‌دهد که دور از انتظار است. نظام‌های رخدادی آن‌قدر سریع و دور از انتظار رخ می‌دهند که دنیا خود را بر سوژه تحمیل می‌کند، به طوری که سوژه، در مقابل آنچه رخ داده حیرت‌زده می‌شود (ر.ک: شعیری و دیگران، ۱۳۹۲: باران).

«شوش» عاملی است که نه به واسطه کُنش، بلکه به واسطه رابطه‌ای پدیداری و حسی ادراکی که با دنیا برقرار می‌کند، معناسازی می‌کند و شوش‌گر را می‌توان سوژه‌ای دانست که یک تفاوت عمده با کنش‌گر دارد؛ رابطه او با دنیا و چیزها نه بر اساس تصاحب و تملک بر آنها به‌عنوان ابژه ارزشی، بلکه به‌عنوان رابطه‌ای مبتنی بر احساس و ادراک متقابل، هم حضوری وهم آمیختگی تعریف می‌شود (شعیری، ۱۳۹۵: ۹۷). در حکایت مورد نظر، گفتمان روایی است، و هدف اصلی آن تغییر وضعیت اولیه یا نابسامان و رسیدن به وضعیتی ثانوی یا سامان‌یافته است. هنگامی که بازرگان، عزم سفر می‌کند، چون سخن از تغییر مکان و جابه‌جایی است، پس گفتمان پویاست و «شدن» اتفاق افتاده و می‌توان بر اساس نظریه گرمس گفت که شوش رخ داده است. زمانی که بازرگان پیام طوطی محبوس را به طوطیان هندی می‌دهد به طوطی هندی یک شوک آنی وارد می‌شود؛ می‌لرزد و بر زمین می‌افتد، کُنش طوطی هندی در واقع نشان از نوعی شوش در درون اوست؛ طوطی متوجه احساس حضور خود می‌شود، حسی که با سایر حس‌ها، متفاوت است، حضورش با طوطی محبوس پیوند می‌خورد و مهیا می‌شود، زمانی که این حس برجسته می‌شود شوش درونی، شکل می‌گیرد و او را وادار به واکنشی غیرقابل‌پیش‌بینی می‌کند که حیرت بازرگان را در پی دارد، در واقع هر دو طوطی با رمزگان و ارتباط تن‌به‌تن با یکدیگر ارتباط می‌گیرند.

طوطی‌ای زان طوطیان لرزید پس اوفتاد و مرد و بگسستش قفس

(مولوی، ۱۳۷۲: ۱ / ۱۵۸۹)

در انتهای داستان پندهای طوطی، بازرگان را از خواب غفلت بیدار می‌کند. او دچار تلاطم درونی شده، از خود رها می‌گردد و با دنیای بیرون پیوند می‌خورد. معناسازی در اثر تلاقی دو دنیای درون و بیرون اتفاق می‌افتد. او تحت تأثیر اراده طوطی قرار گرفته و شدنی آنی را تجربه می‌کند. شاید بتوان ادعا کرد در این بخش از داستان، شوشِ خلسه‌ای اتفاق افتاده زیرا بازرگان در مرز کنش و هاله معنایی جدید قرار گرفته و استحاله اتفاق می‌افتد، کنش آن‌قدر ضعیف می‌شود که وضعیتی کوبشی یا تکانه‌ای ایجاد می‌گردد که همان دگرگونی بازرگان و بیداری او بلافاصله پس از پند طوطی است که منشأ رسیدن به استعلا می‌گردد. بنابراین؛ نوعی کنش القایی از طرف طوطی منجر به شوش خلسه‌ای در بازرگان شده است.

ج) فرایند تنشی: «در فرایند تنشی گفتمان، بین عناصر نشانه - معنایی، رابطه به وجود می‌آید که معنا؛ از کم‌رنگ‌ترین تا پررنگ‌ترین شکل آن، در نوسان است این فرایند، گفتمان را، به سوی نوعی نظام ارزشی هدایت می‌کند و ما را با معنای تولید شده مواجه می‌سازد» (شعیری، ۱۳۸۴: ۱۳۷). در این حکایت هنگامی که بازرگان پیغام طوطی محبوس را به طوطیان هندی می‌رساند با کنش طوطی هندی مواجه می‌شود که در لحظه بارقه اتفاق می‌افتد و مشاهده همزادپنداری و ارتباط تن به تن طوطی هندی با طوطی محبوس موجب ایجاد فرایند تنشی در بازرگان می‌گردد. به عبارت دیگر کمینه‌ای شدن گستره در همبستگی با یک فشاره بالای عاطفی قرار گرفته است و ساختار تنشی ایجاد می‌گردد که بر گفتمان بازرگان حاکمیت دارد و برای اثبات این بحران عاطفی، می‌بینیم که بازرگان از فاعل غیرمستقیم به فاعل مستقیم تبدیل می‌گردد و اتصال گفتمانی با شناسه «م» رخ می‌دهد و افسوس و فغان در گفتار و رفتار او نمایان می‌گردد.

شد پشیمان خواجه از گفت خیر
این مگر خویش است با آن طوطیک
این چرا کردم، چرا دادم پیام؟
این زبان چون سنگ وهم آهن وش است
گفت: رفتم در هلاک جانور
این مگر دو جسم بود و روح، یک
سوختم بیچاره را زین گفت خام
و آنچه بجهد از زبان چون آتش است
(مولوی، ۱۳۷۲: ۹۳/۱ - ۱۵۹۰)

در بخشی دیگر از داستان، مولانا از یک طوطی سخن به میان می‌آورد که در قفس زندانی است و بحران عاطفی در بند بودن موجب احاطه وضعیت تنشی - شوشی در وجودش گردیده

و در نهایت او را با خودش به گسست می‌رساند پس او چاره‌ای نمی‌یابد جز ارتباط تن به تن با راهبر و همنوعش از مسافتی دور که به عاملیت بازرگان شکل می‌گیرد. طوطی محبوس پس از دریافت راهکار مرشد خویش، به دیگری تبدیل می‌گردد و دیگری برای رهایی از تنش ایجاد شده و وضعیت هم‌زمانی و بحران‌زا، او را وادار به کنش نهایی می‌کند که همانا مرگ اختیاری است. (مرحله سلبی)

کان فلان طوطی که مشتاق شماست از قضای آسمان در حبس ماست
بر شما کرد او سلام و دادخواست و از شما چاره و ره ارشاد خواست
(همان: ۱۵۵۳/۵۵)

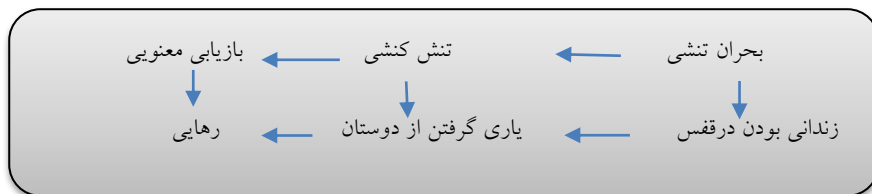
گفت می‌شاید که من در اشتیاق جان دهم اینجا بمیرم از فراق؟
طوطی‌ای زان طوطیان لرزید پس اوفتاد و مرد و بگسستش نفس
(همان: ۱۵۸۹)

در انتهای داستان، با تنشی دیگر مواجهیم؛ بازرگان پس از این‌که طوطی خود را مرده می‌پندارند، دچار بحران عاطفی با فشار بالا و آنی از طرف طوطی می‌گردد. بنابراین بازرگان کنش‌گری است که با یک «دیگری» مواجه است و نقصان را که همانا عدم وجود طوطی است به او یادآوری می‌کند و او را به سمت بحران تنشی سوق می‌دهد و این بحران، مجدد او را به فاعل مستقیم تبدیل می‌کند. و رابطه طوطی بازرگان را از وضعیت شناختی به وضعیت حسی - ادراکی ارتقا می‌دهد.

ای دریغا طبع ظلمت‌سوز من ای دریغنا نور روز افروز من
ای دریغا مرغ خوش پرواز من ز انتها پریده تا آغاز من
(همان: ۱۷۰۷/۸)

همان‌گونه که ملاحظه گردید، بحران تنشی؛ فقدان از نوع عاطفی است و با فقدان کنشی کاملاً متفاوت است.

«نمودار فرایند تنشی»



مطالعه عامل گذر در داستان طوطی و بازرگان

اریک لاندوفسکی، نشانه - معناشناس فرانسوی در کتاب خود، با عنوان «حضور دیگر» از نوعی ادبیات سفر، سخن به میان می‌آورد که به شکل خلاصه به آن اشاره می‌گردد:

- ۱- عامل مقتدر (سکان‌دار زمان و مکان است).
 - ۲- عامل انطباق‌گر (با شکل جدید حضور با محیط انطباق می‌یابد).
 - ۳- عامل مسئولیت‌گرا (برای دستیابی به هدف تلاش می‌کند).
 - ۴- عامل زیباگر (احساس‌گرا و پدیداری است).
 - ۵- عامل دانش‌گر (مانند محقق است که تحقیق میدانی انجام می‌دهد).
 - ۶- عامل برنامه‌مدار (با برنامه‌ای زمان‌بندی‌شده و فشرده به دیدن مکان‌های دیدنی می‌رود).
- با مطالعه عامل گذر در حکایت مدّ نظر دریافتیم؛ الف) طوطی در هیچ‌کدام از سطوح نشانه‌شناسی گذر نمی‌گنجد؛ زیرا از شرایطی که در آن قرار دارد خسته شده و می‌خواهد شرایط جدید را تجربه کند و امکان زیست در مکان قبلی برای او وجود ندارد. پس در زمره عامل جدیدی قرار می‌گیرد که در دسته‌بندی لاندوفسکی وجود ندارد و آن عامل «طغیانگر» است که این طغیانگری در نهایت موجب رهایی طوطی از تعلقات مادی و رسیدن او به آزادی واقعی است که با تولدی دوباره اتفاق می‌افتد. پس ما با گونه‌ای نشانه‌ای - پدیدارشناختی مواجه هستیم که در فرایندی حسی - ادراکی معنا ساز می‌گردد.

«نمودار سیالیت طوطی»

« طوطی ← مرغ طغیان ← مرغ احساس و ادراک ← مرغ رها ← مرغ زیباگر »

ب) در کنار طوطی می‌توان به بازرگان شخصیت دیگر داستان اشاره کرد که در تقسیم‌بندی فوق، در زمره «تاجر مسئولیت‌پذیر»، ایفای نقش می‌کند و برای انجام کنش، با برنامه‌ریزی، همه شرایط را مهیا نموده و به هندوستان می‌رود. همچنین او سعی می‌کند با موفقیت به مکان خودی بازگردد و آنچه معیارهای اصلی حضور او را در مکان غیرخودی را تشکیل می‌دهد، همان تجارت است که مأموریت و هدف اصلی او را تشکیل می‌دهد. در ادامه می‌توان رساندن پیغام طوطی محبوس به طوطیان هندوستان را جزء اهداف فرعی او به حساب آورد.

چون‌که بازرگان سفر را ساز کرد سوی هندوستان شدن آغاز کرد

هر غلام و هر کنیزک را ز جود
گفت طوطی را چه خواهی ارمغان؟
گفت آن طوطی که آنجا طوطیان
کان فلان طوطی که مشتاق شماست
بر شما کرد او سلام و دادخواست
گفت می‌شاید که من در اشتیاق
این روا باشد که من دربند سخت
گفت بهر تو چه آرم گوی زود
کارمست از خطه هندوستان؟
چون بینی کن ز حال ما بیان
از قضای آسمان در حبس ماست
و از شما چاره و ره ارشاد خواست
جان دهم اینجا بمیرم از فراق؟
گه شما بر سبزه گاهی بر درخت؟
(مولوی، ۱۳۷۲: ۱/ ۵۹-۱۵۴۸)

نظام ارزشی طوطی و بازرگان

در این حکایت، با نظامی ارزشی روبرو هستیم که در عین حال، تغییر در ارزش‌ها نیز به چشم می‌خورد. با توجه به نظر سوسور که ارزش جایگاه هر مهره شطرنج را باید در تقابل با ارزش جایگاه سایر مهره‌ها تعیین نمود، جایگاه عناصر زبانی نیز در تقابل با یکدیگر معین می‌گردد. با تجزیه و تحلیل به عمل آمده در خصوص دو گونه ارزش و فرا ارزش در این داستان، درمی‌یابیم که طوطی هندی، خود به تنهایی ارزش نیست، اما همه ارکان داستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و داستان حول محور او می‌چرخد، با وجود درس عملی او که رفتاری فراتر از سایر مرغان است، طوطی محبوس و سایر شخصیت‌های داستان ارزش می‌یابد و او فاعل شناختی محسوب می‌شود در حالی که طوطی بازرگان که فاعل عملی است راهکارهای طوطی هندی را بکار بسته و به بقا و آزادی می‌رسد همچنین عامل بیداری بازرگان در اثنای داستان نیز، می‌شود. نتیجه اینکه طوطی هندی عنصری فرا ارزش است و ضامن بقای ارزش‌ها و به تعالی رسیدن آنهاست.

بعد هنری داستان طوطی و بازرگان:

گفتمان مولانا جلوه‌گاه دو جریان جسمانه‌ای است:

۱- جسمانه شناختی (مرغ ملموس)

۲- جسمانه زیبایی شناختی و حسی - ادراکی (مرغ وجود)

در فرایند اول طوطی یک مرغ است همانند مرغ‌های دیگر؛ آواز خواندن و سخن گفتن طوطی در قفس، از خصوصیات مشترک او با سایر مرغان است که جسمانه شناختی او را نمایان می‌سازد اما هنگامی که نوع سوغات درخواستی طوطی را بررسی می‌کنیم و در گفتمان بازرگان

از رازداری او و در نهایت دوستی و همدلی او سخن به میان می‌آید، هوش سرشار او نمایان گشته و با عبور از دنیای عینی و جسمانه شناختی به دنیای انتزاعی و به تبع جسمانه زیبایی‌شناختی ورود می‌کند. پس می‌توان نتیجه گرفت: این داستان صحنه کشمکش دو جریان منطقی و هیجانی است که بررسی موقعیت و تجزیه و تحلیل شرایط، راه را برای گذر به دنیای دیگر باز می‌کند.

با تأمل در ابیات این حکایت به بررسی سیر تعالی طوطی پرداخته می‌شود؛ ابتدایی‌ترین ابیات نشانگر جسمانه شناختی طوطی است:

بود بازرگان و او را طوطی
 چون که بازرگان سفر را ساز
 در قفس محبوس زیبا طوطی
 گفت طوطی را چه خواهی ارمغان
 سوی هندستان شدن آغاز کرد
 کارمت از خطه هندوستان؟
 (همان: ۱۵۴۸)

در مرحله بعد طوطی بیدار گشته و وارد جسمانه انتزاعی می‌گردد که او را از سایر مرغان هم جنس جدا می‌کند. او برای رهایی از قفس جسم و عروج به عوالم بالا در پی راه حل است؛
 گفت آن طوطی که آنجا طوطیان
 چون بینی کن ز حال ما بیان
 کان فلان طوطی که مشتاق شماس
 از قضای آسمان در حبس ماست
 یاد دارید ای شهان زان مرغزار
 یک صبحی در میان مرغزار
 (همان: ۱۵۵۲-۵۳)

کنش در بیت زیر پیمودن گام‌های بعدی به سوی تعالی و پویایی است؛ طوطی به‌مثابه آدمی است که با برداشتن حجاب تن و تعلقات دنیوی در خالق نا متها حل می‌گردد و به اوج می‌رسد. اینجاست که نهان خانه ضمیر او بروی مکشوف می‌گردد.

چون شنید آن مرغ آن طوطی چه کرد
 پس بلرزید، اوفتاد و گشت سرد
 (همان: ۱۶۹۱)

من درون توست آن طوطی نهان
 عکس او را دیده تو بر این‌وآن
 (همان: ۱۸۵۲)

در واقع، طوطی جان آدمی است که از استدلال‌های عقلانی دنیای عینی دور شده و رها می‌گردد و به مرغ مست و سیال تبدیل می‌گردد.

خواجه گفتش فی‌امان‌الله برو ممر اکنون نمود راه نو
(همان: ۱۸۴۶)

از طبیعت تا فرهنگ و رسیدن به زیبایی شناختی

یکی از مباحث اصلی گفتمان ارتباط نزدیک و تنگاتنگ بین دال و مدلول و یا صورت و محتوا است انطباق این دو از شگردهای گفتمانی می‌باشد. در داستان طوطی و بازرگان در بیت اول می‌خوانیم:

بود بازرگان و او را طوطی‌ای در قفس محبوس زیبا طوطی‌ای
(همان: ۱۵۴۷)

در قفس بودن و زیبا بودن، از خصوصیات همه طوطیان است و دال و مدلول کاملاً بر هم منطبق هستند، در بخشی دیگر، هنگامی که به طوطی قدرت تفکر داده می‌شود تا به واسطه بازرگان از هم نوعانش یاری بجوید و یا زمانی که طوطی هندی راه‌هایی رمزگونه را از طریق بازرگان به طوطی محبوس می‌رساند، درمی‌یابیم که مدلول‌ها در مقابل دال‌هایی هستند که غایب هستند و باید دال منحصر به فرد را بیابند و طوطی به‌عنوان مرغی که از چرخه طبیعی خود خارج شده و فرهنگ‌سازی شده مورد توجه قرار می‌گیرد. او قالب‌های متداول را در می‌شکند و با فاصله انداختن بین دال و مدلول به‌سوی متعالی شدن و پویایی گام برمی‌دارد و در نهایت در مقام پند و اندرز به صاحب خود به اسطوره تبدیل می‌گردد.

جریان‌های شکل‌گیری معنا در این حکایت را می‌تواند به صورت‌های زیر بیان گردد:

۱. حضور طوطی در قفس و سفر بازرگان؛ جریان معمول حیات است یعنی نظم بر چرخه زیستی حیات حاکم است.

۲. پیغام طوطی به دوستان هندی‌اش؛ عدول از روزمرگی، و به‌هم‌ریختگی و ناراحتی طوطی را می‌رساند که به مرغ رنج تبدیل گشته و دچار بیداری عاطفی شده است.

۳. طوطی با درک پیغام دوستانش و پذیرفتن خطرهای ناشی از عملکرد خود، و پذیرفتن مرگ اختیاری، سبب گسست معنایی در نظام موجود و ایجاد جریانی نامنتظر می‌گردد که فاجعه نشانه - معناشناسی نام می‌گیرد. در این راستا، راه برای دستیابی به نوعی دیگری از حضور، فراهم می‌گردد که، حضور پر معنا یا زیبایی‌شناختی نام می‌گیرد.

۴. پرواز کردن طوطی پس از خروج از قفس، بازگشت به نظمی جدید است که، طوطی را اسطوره‌ای می‌کند و حیات دوباره او را در کمال آزادی رقم می‌زند. در نهایت می‌توان دریافت که این طوطی مرغی است سیال که از طبیعت به فرهنگ و از فرهنگ به اسطوره متعالی مبدل می‌گردد و مسیری را، از نظم تا بحران، از بحران تا فاجعه، و از فاجعه تا نظم دوباره که «زیبایی‌شناختی» است می‌پیماید و معنای عرفانی از خود گذشتن برای رسیدن به رهایی را به ذهن متبادر می‌سازد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش حکایت طوطی و بازرگان، با استفاده از رویکرد نشانه - معناشناسی بررسی و تبیین شده است. کارکردهای شناختی، جسمانه‌ای، استحاله‌ای و استعلایی در این روایت نشان از ویژگی‌های؛ تنشی، شوشی، عاطفی، نمودی و زیبایی‌شناختی است. استعلای شوش‌گران نتیجه چالش‌هایی است که در فرایند تنشی رخ می‌دهد و بر اساس همین فرایند است که معنا تولید می‌گردد. علاوه بر آن نشانه‌های شناختی در ابتدای داستان، مانند طوطی، به نشانه‌های استعلایی می‌رسند و بازرگان در فرایندی تنشی - شوشی با بیداری عاطفی، متحول و متعالی می‌گردد؛ بنابراین وضعیت شوش‌گران آن‌گونه که در ابتدا بوده نیست و شرایط برای تغییر وضعیت اولیه به ثانویه محیاست پس همان‌گونه که در فرضیه به آن اشاره شد؛ این گفتمان، پویاست و مجموعه عوامل در آن حرکتی رو به جلو دارند و همه کنشگران و شوش‌گران با شکستن ساختارهای اولیه و تغییر هویت، به مقام فنای الهی یا وحدت نائل می‌گردند. با بررسی بیشتر این روایت دریافتیم که با توجه به تمثیلی بودن داستان و حضور مفاهیم عرفانی، طوطی محبوس در حکم انسانی است که با کنار زدن تعلقات دنیوی و رها شدن از قفس تن، می‌تواند به شناخت و تعالی برسد.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

احمدی، بابک (۱۳۸۸) ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز.

ریمامکاریک، ایرنا (۱۳۸۴) دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و

محمد نبوی، تهران: آگه.

زمانی، کریم (۱۳۷۲) شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر اول، تهران: اطلاعات.
ساکالوفسکی، رابرت (۱۳۸۴) درآمدی بر پدیدارشناسی، ترجمه محمد رضا قربانی، تهران: گام نو.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۸) مبانی معناشناسی نوین، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

شعیری، محمد رضا (۱۳۹۵) نشانه - معناشناسی ادبیات، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
شعیری، محمد رضا (۱۳۹۶) تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناسی گفتمان، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

شعیری، محمد رضا؛ وفایی، ترانه (۱۳۸۸) راهی به معناشناسی سیال، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.

صفوی، کوروش (۱۳۹۳) آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات، تهران: علمی.
عباسی، علی (۱۳۹۳) روایت‌شناسی کاربردی، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
عباسی، علی (۱۳۹۵) نشانه - معناشناسی روایی مکتب پاریس، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۸) شرح مثنوی شریف، جلد ۱، تهران: زوار.
گرمس، آلژیر داس ژولین (۱۳۸۹) نقصان معنا، ترجمه محمد رضا شعیری، تهران: انتشارات علم.

گیرو، پی یر (۱۳۸۳) نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگاه.

مقالات

اسماعیلی، عصمت، شعیری، حمیدرضا، کنعانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). رویکرد نشانه-معناشناختی فرآیند مربع معنایی به مربع تنشی در حکایت دقوی مثنوی. پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، ۶(۳)، ۶۹-۹۴.

اطهارى نیک عزم، مرضیه. (۱۳۹۵). نظام روایی و نشانه‌های متعالی از دیدگاه نشانه - معناشناسی سیال در داستان طوطی و بازرگان. همایش نقد ادبی، ۲.

بارت، رولان. (۱۳۸۰). اسطوره در زمان حاضر، ترجمه یوسف علی اباذری، ارغنون، (۱۸)

- بیرانوند، نسرین، آریان، حسین، کاظم خانلو، ناصر. (۱۳۹۵). روایت‌شناسی «داستان اکوان دیو». فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۸(۲۸)، ۹۷-۱۲۷.
- حسین‌پور سرکاریزی، احمد، علوی‌مقدم، مهیار، فیروزی‌مقدم، محمود. (۱۳۹۹). کاربرد الگوی کنشگر گِرماس در تحلیل روایت‌شناسی جای خالی سلوچ (مطالعه موردی: «میرگان در جست و جوی سلوچ»). فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۱۲(پیاپی ۴۴)، ۱۲۷-۱۵۲. doi: 10.30495/dk.2020.677777.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۴). مطالعه فرایند تنشی گفتمان ادبی. پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۱۰(۲۵)، ۱۸۷-۲۰۴.
- شعیری، حمید رضا. (۱۳۸۸). از نشانه‌شناسی ساختگرا تا نشانه - معناشناسی گفتمانی. فصلنامه نقد ادبی، ۲(۸)، ۳۳-۵۲.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۶). بررسی انواع گفتمان از دیدگاه نشانه - معناشناسی. مجموعه مقالات دانشگاه علامه، ۲(۱۹)، ۱۰۶-۱۱۹.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۸). مبانی نظری تحلیل گفتمان، رویکرد نشانه - معناشناسی. پژوهش‌نامه فرهنگستان هنر، ۴(۱۲)، ۵۴-۷۲.
- شعیری، حمیدرضا، اسماعیلی، عصمت، کنعانی، ابراهیم. (۱۳۹۳). تحلیل نشانه معناشناختی شعر «باران». ادب پژوهی، ۷(۲۵)، ۵۹-۸۹.
- کنعانی، ابراهیم، اسماعیلی، عصمت، اکبری بیرق، حسن. (۱۳۹۳). بررسی کارکردهای نشانه - معناشناختی نور بر اساس قصه‌ای از مثنوی. کهن‌نامه ادب پارسی، ۵(۳)، ۱۲۱-۱۴۸.

References

Books

- The Holy Quran*.
- Abbasi, Ali (2014) *Applied narratology*, Tehran: Shahid Beheshti University Publishing Center.
- Abbasi, Ali (2015) *Seymeh - Narrative Semantics of Paris School*, Tehran: Shahid Beheshti University Publishing Center.
- Ahmadi, Babak (2009) *Structure and interpretation of the text*, Tehran: Central Publishing.
- Faruzanfar, Badi al-Zaman (1388) *Commentary on Masnavi Sharif*, Volume 1, Tehran: Zovar.
- Garmes, Algire Das Julien (2009) *Lack of meaning*, translated by Mohammad Reza Shoyiri, Tehran: Alam Publications.
- Giro, Pierre (2013) *Semiotics*, translated by Mohammad Nabawi, Tehran: Aghaz.

Rimamkarik, Irena (2005) *Encyclopaedia of Contemporary Literary Theories*, translated by Mehran Mahajer and Mohammad Naboi, Tehran: Agh.

Safavi, Korosh (2013) *Getting to know the semiotics of literature*, Tehran: Elmi.

Sakalovsky, Robert (2004) *An Introduction to Phenomenology*, translated by Mohammad Reza Ghorbani, Tehran: Gam Nou.

Shayiri, Mohammadreza; Vafaei, Taneh (2008) *A way to fluid semantics*, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.

Shoairi, Hamidreza (2018) *Basics of Modern Semantics*, Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Samt).

Shoairi, Mohammad Reza (2015) *Sign - Semantics of Literature*, Tehran: Tarbiat Modares University.

Shoairi, Mohammad Reza (2016) *Sign Analysis - Discourse Semantics*, Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Samt).

Zamani, Karim (1993) *Comprehensive description of Masnavi Manavi*, first book, Tehran: information.

Articles

Athari Nik Azm, Marzieh. (2015). Narrative system and transcendental signs from the point of view of signs - fluid semantics in the story of Parrot and Merchant. *National Conference of Literary Criticism*, 2.

Barrett, Roland. (2001). Myth in the present time, translated by Yusuf Ali Abazari, *Arghanun*, (18) 85-134.

Biranvand, Nasreen, Arian, Hossein, Kazem Khanlou, Nasser. (2015). Narratology "The Story of Ekvan Dev". *Scientific Journal of Tafsir and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 8(28), 127-97.

Esmaili, Esmat, Shairi, Hamidreza, Kanani, Ebrahim. (2011). The semiotic-semantic approach of the process of the semantic square to the tense square in the anecdote of Daqoghi Masnavi. *Researches of mystical literature (Gohar Goya)*, 6(3), 69-94.

Hosseinpour-e Sarkirizi, Ahmad, Alavi-Moghadam, Mahyar, Firouzi-Moghadam, Mahmoud. (2019). The application of Greimas's actor model in the analysis of the narratology of Soluch's empty place (case study: "Mergan in search of Soluch"). *Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 12 (44 consecutive), 127-152. doi: 10.30495/dk.2020.677777.

Kanani, Ebrahim, Esmaili, Esmat, Akbari Biraq, Hassan. (2013). Examining the symbolic-semantic functions of light based on a story from Masnavi. *Ancient History of Persian Literature*, 5(3), 121-148.

Shairi, Hamidreza, Esmaili, Esmat, Kanani, Ibrahim. (2013). Analysis of the semantic sign of the poem "Rain". *Literary Studies*, 7(25), 59-89.

Shayiri, Hamid Reza. (2009). From constructivist semiotics to discursive semiotics. *Literary Review Quarterly*, 2(8), 52-33

Shayiri, Hamidreza. (2005). Studying the tension process of literary discourse. *World Contemporary Literature Research*, 10(25), 187-204.

Shayiri, Hamidreza. (2007). Examining types of discourse from the point of view of sign-semantics. *Allameh University essays collection*, (219), 106-119.

Shayiri, Hamidreza. (2009). Theoretical foundations of discourse analysis, sign-semantic approach. *Art Academy Research Journal*, 4(12), 54-72.



Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 53, Fall 2022, pp.294-313

Date of receipt: 21/4/2021, Date of acceptance: 4/8/2021

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2021.1928541.2241](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1928541.2241)

۳۱۳

Semantic-semantic analysis of the story of a parrot and a merchant from Rumi's spiritual Masnavi

Pegah Rasouli¹, Dr. Shahin Ojag Alizadeh², Dr. Fatemeh Emami³

Abstract

Sign-semantic is a new method in literary criticism that has never claimed to be an alternative to other approaches to literary criticism, but seeks to open new windows in meaning that are different from cognitive and superficial perceptions. This method challenges the depth and connection of words, and leads us to new and dynamic concepts. This research intends, by descriptive-analytical method; The anecdote (parrot and merchant) examines one of the most valuable mystical and allegorical anecdotes of the first book of Masnavi from the point of view of semantics, in order to explain the means of explaining the meaning and the conditions of the actor crossing limited structural boundaries and reaching the transcendental and aesthetic meaning. The active-shushi parrot rises so high in the ranks beyond an ordinary chicken that by distancing itself from the material, it becomes a living and guiding hen and transcends in the direction of divine unity, and the active trader is transformed in the face of deep emotional tension. And in breaking with himself, he walks on the path of happiness and reaches intuitive cognition.

Keywords: Signs - semantic, Masnavi, anecdote, parrot and merchant, Rumi.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran. St.p_rasouli@riau.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran. (Corresponding author) alizade@riau.ac.ir.

³ Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran. f.Emami@riau.ac.ir